

محلات منطقه ما: خواجه ربیع، بلال، بهمن
دروی سپس آباد، طبرسی شمالی، رسالت، گاز، فاطمیه
راه آهن، هاشمی نژاد، مهرگان، شهید احمدی روشن
شهید شیری، شهید علی محمدی

شهرآرام

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۴۷ / یکشنبه / ۲۳ تیر ۹۸

دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از SHAHRARANEWS.IR

۸ صفحه

گزارشی از جلسه شورای اجتماعی محله قرقی

طرح «محله ما» مردمی است

جلسه شورای اجتماعی محله شهید علی محمدی یا همان قرقی برای نخستین بار در سرای محله واقع در خیابان شهید کشمیری ۵۷ برگزار شد. به گزارش شهرآرامحله، یآوری سرپرست اداره شورای اجتماعی محلات مشهد، جوادی رئیس ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۳، عباسی معاون فرهنگی شهرداری...

۲

بااستاد سیدرضا مؤید، شاعر خوش ذوق محله فاطمیه بیشتر آشنا شوید

محبوب رضاست هر که دل ریش تراست

هنر متعالی، رسانه ای برای انتقال مفاهیم و اندیشه های ناب معرفتی است و شعر در این بین رسالت بزرگ تری بر دوش دارد. گواه آن هم می تواند ابیاتی باشد که واقعه ای را در دل تاریخ زنده نگاه می دارند و با ترسیم حقیقت، جبهه حق و باطل را مشخص می کنند...

۶

گزارشی از مشکلات محله فاطمیه

موش ها با قطار به مشهد می آیند

پارک دوپل خودروها و پارک در پیاده رو، هرس نکردن درختان و خطر سقوط درختان خشک، نبود پل عابر پیاده، نبود فضای سبز و زمین بازی برای کودکان، پیاده روهای ناهموار و جدول های شکسته از جمله مهم ترین خواسته های شهروندان ساکن در محله گاز از شهردار منطقه ۳ مشهد بود...

۷

گفت و گو با ساکن محله بلال
که در ورودی های حرم خدمت می کند

خادمی با طعم خدمت

از آدم های دقیق و خوش قول است. از ساعت ۹ صبح که قرار مصاحبه بوده دم در منتظر مان ایستاده و با وجود اینکه یک ربعی دیرتر به منزلش در خیابان بلال می رسیم باز هم همان جا منتظر مان است. از راه که می رسیم دعوتمان می کند داخل خانه. مهمان نواز است و خوش رو. بعد از احوال پرسسی گرم می گوید: با اینکه درب و داغان جنگی هستیم ولی باز هم خیلی قول و قرار داریم مهم است و سعی می کنم به وقت سر و وعده باشم.

۵۰۴





چادر یادگار مادر بزرگ

حرف اول



لیلا جان قربان خبرنگار شهرآرامحله

مادر بزرگم؛ مادر بزرگم خدایا بامرزم از آن زن های قدیمی بود که ۹۰ سالگی عمر کرد و من به سبب نداشتن مادر همیشه کنارش بودم و همنشین خاطر اتش. خاطراتی که زیاد تکرار می شدند ولی همیشه یک فرم داشتند و دست کاری در آن ها نمی شد. عین خاطره ای را که ۱۰ سال پیش برایم گفته بود بارها و بارها تعریف می کرد و من هر بار با سؤالاتی آن ها را برای خودم کامل تر می کردم و گوشه ای از دفترچه ام می نوشتم. گاهی حرف هایش را برای خودم می خواندم؛ خنده اش می گرفت. چندباری سعی کردم الفبا را یاد بگیرد اما نشد. می گفت آدم بی سواد کور است و دوست نداشتم که او کور باشد...

مادر بزرگم از آن زن های چادری ای بود که تادم در حیاط راهم بدون چادر و روسری نمی رفتند. چادرها و روسری های رنگ و وارنگی داشت که خاله بازی های من را تنوع می داد، دل دخترهای محله می سوخت که اجازه برداشتن چیزهایی را داشتیم که آن ها ندارند.

مادر بزرگم از آن هایی بود که طعم چادر از سر برداشتن را در دوره رضاشاه به خوبی چشیده بود و پای این ماجرا پدرش را هم از دست داده بود. پدری که زیر سم اسب های پاسبان ها، استخوان های سینه اش در روز شلوغی و بست نشینی مردم در مسجد گوهر شاد شکسته بود و پای چادر برداشتن از سر زن و دختر هایش جانش را داده بود.

مادر بزرگم از آن زن های چهارشانه و بلند قامت بود که زیر چادر آن قدر جذاب می شد که گاهی از پنجره ایوان که به کوچه باز می شد، به تماشای راه رفتن می نشستیم و در عالم کودکی ام آرزو می کردم که کاش من هم مثل او بلند قامت شوم تا چادر بر تنم این قدر زیبا بنشیند. یادم است به سن تکلیف هم که رسیدم اولین چادر را او برایم خرید و دوخت. چادری گل گلی که دلم نمی آمد بپوشم و مدام مراقب بودم که مبادا به زمین بخورد.

مادر بزرگم روی چادری شدن من حساس بود. تمام تلاشش را می کرد که عاشق چادر شوم. حتی یک بار یکی از آن پارچه های مشککی توی صندوقچه اش را در آورده بودم تا بخرم چادر دوخت. خیلی ها می گفتند: حیف پارچه اولی خودش می گفت: بهش می آید.

بزرگ تر که شدم خودم را هم برای خرید چادر می برد؛ ارزان و گران نداشتم. می گفت: باید به سرت بیاید. آن قدر این ماجرای چادر برایش مهم بود که اولین خواستگار که در خانه رازد، روز بعدش دستم را گرفت و برد بازار؛ چند قواره چادر سفید عروسی برایم خرید و گفت: دختر توی جهیز به اش باید چند قواره چادر سفید داشته باشی. خانه که آمدیم آن ها را تا کرد و توی بقچه تره می پیچید و گفت: روی جهیز بهات می دهم ببری خانه شوهر.

عمرش به خانه شوهر رفتن من نرسید. پارچه ها توی بقچه تره ماند و خودش رفت. رفت و برایم چادر و بقچه و پارچه ها را به یادگار گذاشت. بقچه ای که هنوز خاطر اتش لایه لای آن پیچیده است و حرف هایش در قواره چادرها تکرار می شود. حرف هایی از جنس حجاب که هر چند امروز ندوند اما یک چادر برای همیشه برایم به یادگار گذاشتند.

گزارشی از جلسه شورای اجتماعی محله قرقی

طرح «محله ما» مردمی است

محله شناسایی سپس اولویت بندی و در انتها اجرا خواهد شد.

در یافت مشکلات با راه حل

تقری در باره فرایند کار طرح محله ما گفت: برای اجرای طرح فرایندی دیده شده است در این طرح ارتباط ما به عنوان تسهیلگر با اعضای شورای اجتماعی نزدیک خواهد بود و یک سری جلسات عمومی با مردم، با محوریت مسجد برگزار می کنیم در این جلسات مشکلات به همراه راه حل آن مشکل را از مردم یاد گرفتیم چرا که معتقدیم راه حل بسیاری از مشکلات محله را مردم آن محله می دانند چون هر روز با آن سرو کار دارند. جهانی یکی از اعضای شورای اجتماعی محله شهید علی محمدی نیز در این جلسه گفت: طرح محله ما اگر عملیاتی شود خوب است. طرح های زیادی تاکنون فقط مطرح شده ولی به مرحله اجرا نرسیده اند و این باعث شده است بی اعتمادی در باره شهرداری در بین مردم به وجود بیاید!

طرح جامع و کامل

جوادی، رئیس ناحیه ۴ شهرداری نیز به

شهرداری منطقه ۳ ساختمان دهیاری روستای قرقی به شهرداری منطقه ۳ تحویل داده شد و این مکان را سرای محله نام گذاری کردیم تا پاتوقی برای اهالی این محله باشد و با برنامه ریزی آموزش های متنوعی به شهروندان داده شود. وی افزود: طی ماه گذشت حدود ۴۵۰۰ پلاک در معابر منطقه ۳ به همت روابط عمومی شهرداری نصب شده است و با هماهنگی های صورت گرفته حدود ۶ هزار پلاک در معابر خیابان های شهید کشمیری نصب خواهد شد.

دکتر محمود تقوی، مدیر طرح «محله ما» ی منطقه ۳ هم در این جلسه گفت: طبق تصویب شورای شهر مشهد، باید ۵ درصد از بودجه عمرانی شهرداری با نظر شورای اجتماعی محلات و مردم در محله اجرا شود که در محله شهید علی محمدی این اتفاق خوب رقم خواهد خورد.

وی در ادامه بیان کرد: در بسیاری از پروژه های عمرانی... مسئولان در باره طرحی نظر می دهند و سپس اجرا می کنند که در طرح محله ما با نظر و پیشنهاد های مردم ساکن در محله و شورای اجتماعی آن محله فرصت ها و تهدید های هر

جلسه شورای اجتماعی محله شهید علی محمدی یا همان قرقی برای نخستین بار در سرای محله واقع در خیابان شهید کشمیری ۵۷ برگزار شد.

به گزارش شهرآرامحله، باوری سرپرست اداره شورای اجتماعی محلات مشهد، جوادی رئیس ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۳، عباسی معاون فرهنگی شهرداری منطقه ۳، دکتر تقوی مسئول اجرای طرح محله مادر منطقه ۳ و اعضای شورای اجتماعی در این جلسه حاضر بودند.

۶ هزار پلاک در قرقی نصب می شود

در ابتدای جلسه حسینی دبیر شورای اجتماعی محلات ناحیه ۴ به ارائه گزارشی از فعالیت های شورای اجتماعی محله پرداخت و گفت: طبق قانون، روستاهایی که به شهر متصل شوند باید همه امکانات دهیاری به شهرداری واگذار شود. با پیگیری مسئول اداره فرهنگی و رئیس ناحیه ۴



محمد رضا فیضی دبیر شهرآرامحله

راه حل بسیاری از مشکلات محله را مردم آن محله می دانند چون هر روز با آن سرو کار دارند



به قلم دوربین

دریافتی

جشنواره تفریحی ورزشی در بوستان بهار برگزار شد بازی، شادی، تماشا

در طول سال برگزار می کند. شهردار منطقه ۳ با اشاره به اینکه جشنواره بازی، شادی، تماشا نیز با همین رویکرد در منطقه ۳ برگزار شد خاطر نشان کرد: جشنواره تفریحی ورزشی به مناسبت دهه کرامت و در محل بوستان بهار با هدف افزایش شور و نشاط در بین شهروندان محلات پیرامونی شهر برگزار شد. جشنواره بازی، شادی، تماشا در بوستان بهار با مشارکت تربیت بدنی همگانی مناطق ۲، ۴ و ۵ از ساعت ۱۸ الی ۲۱ و تا روز جمعه ۲۲ تیرماه میزبان شهروندان مشهدی بود.

جشنواره تفریحی ورزشی بازی، شادی، تماشا هم زمان با ایام میلاد حضرت رضا (ع) در منطقه ۳ برگزار شد. حجت فرقانی با اعلام این موضوع گفت: شاداب سازی محیط زندگی شهروندان از اهداف مهمی است که مدیریت شهری در سال های اخیر در پی آن است و برای تحقق این مهم برنامه های فرهنگی ورزشی متنوعی



محمد رضا فیضی



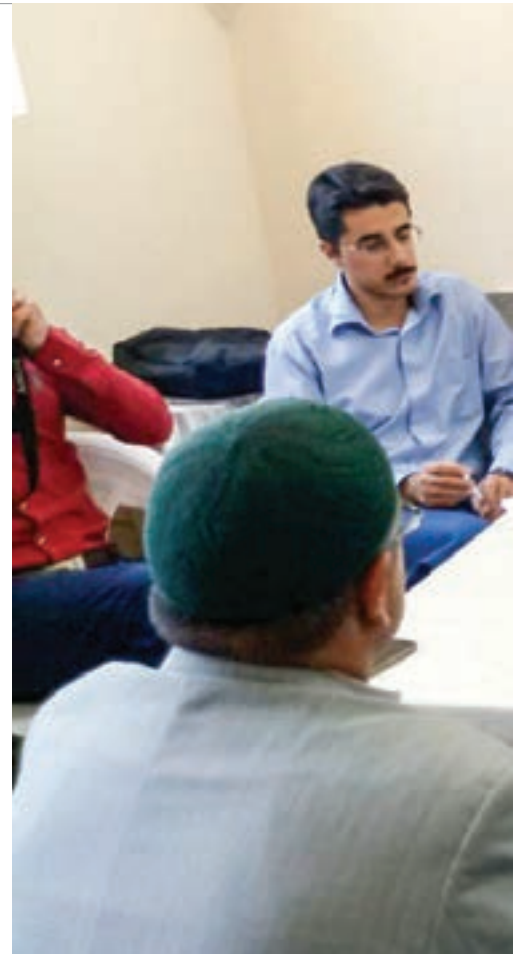
پنجشنبه گذشته کتابخانه امام خمینی (ره)، کتابخانه تخصصی کودک واقع در خیابان خواجه ربیع ۲۳ افتتاح کرد. سرپرست بخش بانوان کتابخانه امام خمینی (ره) اعلام کرد: همزمان با دهه کرامت، کتابخانه تخصصی کودک در فضای ۱۰۰ متر مربع افتتاح شد. ملیحه موحد اظهار داشت: این کتابخانه با تجهیزات ویژه کودکان

آماده سازی شده و در این حرکت علاوه بر نظر مشاوران، نظرات شخصی کودکان اعمال شده است. وی در باره منابع این کتابخانه گفت: بیشتر منابع تهیه شده برای این کتابخانه از میان کتب برتر جشنواره های داخلی و خارجی انتخاب و خریداری شده اند.



شهردار منطقه ۳ پاسخ مشکلات شهروندان را داد

تدابیر شهرداری مشهد برای شهرک امید



۳
لیلا جان قربان
خبرنگار شهر آرا محله

ویژگی های طرح محله ما پرداخت و گفت: اعضای شورای اجتماعی محلات ناحیه ۴ فعال هستند و طرح محله ما باید در این محله به مرحله اجرا برسد. با بررسی هایی که انجام داده ام طرح محله ما طرح جامع و کاملی است چرا که نظر مردم برایش اهمیت دارد، پیوست فرهنگی و اجتماعی دارد و از همه مهم تر عدالت اجتماعی در آن برابری است چرا که بودجه عادلانه در همه محلات یکسان توزیع شده است و ما به اتفاق اعضای شورای اجتماعی محله، حامی اجرای این طرح در محله هستیم.

● هدف رضایت مردم

یاوری سرپرست اداره شورای اجتماعی محلات مشهد که به اتفاق رئیس اداره فرهنگی در انتهای جلسه به جمع اعضای شورای اجتماعی پیوست نیز گفت: طرح محله ما با ۴۴ مرکز محله شروع شده است این طرح در هر محله با اعتبار ۲۵۰ میلیون تومان اجرا می شود. صفر تا صد یک طرح را مردم نظر می دهند و سپس نظرات نقد و بررسی می شود و به مرحله اجرا می رسد، در طرح محله ما رضایت مردم برای ما بسیار مهم و ضروری است. در پایان جلسه مسئول اجرای طرح محله مادر منطقه ۳ به همراه جمعی از مسئولان از محله شهید علی محمدی بازدید کردند. ■

اکنون فراهم نیست، فرقانی در خصوص شرایط بد بهداشتی انتهای کانال در وی نیز گفت: همانطور که قبلاً گفته شده، محدوده شهرک امید تحویل خدمات شهری نشده و نیروی کارگری برای این محل پیش بینی نشده است. با این همه برای رفاه اهالی محل از ۶ ماه پیش یک نیروی کارگری ثابت در محل مشغول به کار شده و هر ماه یک مرحله هم پاک سازی کلی محل انجام می شود. نظافت داخل کال نیز توسط دو نیروی کارگری هر روز در حال انجام است و پسماندها و لجن دپو شده هفته ای یک مرحله جمع آوری می شود. شهردار منطقه درباره درخواست اهالی برای احداث فضای سبز در محل قبرستان کنونی سپس آباد نیز گفت: با توجه به اینکه از زمان آخرین دفن در قبرستان یاد شده هنوز ۳۰ سال نگذشته است امکان اجرای درخواست شرعاً و قانوناً میسر نیست لیکن اقداماتی برای بهبود فضای حاشیه این بوستان شده است تا از اثرات قرار گرفتن آن در مجاورت بافت مسکونی کاسته شود. ■

که امیدواریم امسال اقدام متناسب انجام شود. دیگر درخواست مطرح شده شهروندان احداث فضای سبز در بخش شرقی این مجتمع بوده است که شهردار منطقه ۳ در این باره اظهار داشت: با توجه به بهره برداری از پارک خطی هم جوار با شهرک و در ضلع غربی آن، با متراژی بالغ بر ۸۰۰۰ متر مربع و نصب چند وسیله ورزشی و راه اندازی زمین بازی کودکان عملاً بخش مهم نیاز ساکنان این محدوده تأمین شده است و برای احداث بوستان جدید در این محدوده پس از افتتاح و واگذاری پروژه مسکونی اقدام خواهد شد. وی یکی از معضلات دیگر ساکنان این محدوده را وجود سگ های ولگرد و چرای دام بیان و تصریح کرد: در این زمینه شهرداری منطقه ۳ علاوه بر گشت زنی همه روزه گروه جمع آوری سگ های ولگرد، احکام قضایی مورد نیاز برای برخورد با صاحبان دام و نیز جمع آوری محل نگهداری آن ها را اخذ کرده و بارها اعمال قانون داشته است ولی به دلیل هم جوار اراضی شهرک با بافت روستایی امکان حذف قطعی این عوامل هم

یکی از نقاطی که چندی است با شکل و شمایل شهری در محدوده پیرامونی سپس آباد راه اندازی و به بهره برداری رسیده است، شهرک امید است که با مشارکت شهرداری مشهد و ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) کار احداث آن انجام پذیرفته است. مجتمع مسکونی شهرک امید در قالب ۱۲/۵ بلوک ۶ طبقه و مشتمل بر ۲۱۳۰ واحد مسکونی در سایت های ۱، ۲، ۳ و ۴ برای بهره مندی ساکنان حاشیه نشین در بافت های ناهمگون شهری احداث شده است. این مجتمع با واگذاری به متقاضیان اینک جمعیتی بالغ بر ۴ هزار نفر را در خود جای می دهد که این امر نیازهایی را به وجود می آورد که در این رابطه مدیریت شهری ملزم به ارائه خدماتی ویژه به ساکنان این پروژه می شود.

چندی پیش درخواست هایی از سوی ساکنان این مجتمع برای رفع و رجوع برخی کاستی ها در محل مجتمع مطرح شد که شهردار منطقه ۳ به عنوان متولی مدیریت این محدوده تازه ساز به برخی موارد پاسخ هایی داده است. درخواست آسفالت معابر منتهی به مجتمع امید به عنوان یکی از اصلی ترین درخواست ساکنان مطرح شده است که در این رابطه حجت فرقانی گفت: با وجود اینکه معابر محدوده شهرک امید هنوز به طور رسمی به شهرداری منطقه تحویل نشده است، شهرداری به معرفی معابر یاد شده برای آلبوم بودجه و اجرا در سال ۹۸ اقدام کرده





shahraranews.ir

گفت وگو با ساکن محله بلال که در ورودی های حرم خدمت می کند

خادمی با طعم خدمت

گل دفتر

۶
لیلا جان قربان

از آدم های دقیق و خوش قول است. از ساعت ۹ صبح که قرار مصاحبه بوده دم در منتظرمان ایستاده و با وجود اینکه یک ربیعی دیرتر به منزلش در خیابان بلال می رسیدیم باز هم همان جا منتظرمان است. از راه که می رسیدیم دعوتمان می کند داخل خانه. مهمان نواز است و خوش رو. بعد از

احوال پرسى گرم می گوید: با اینکه درب و داغان جنگی هستم ولی باز هم خیلی قول و قرار برایم مهم است و سعی می کنم به وقت سرورعه باشم. عباسعلی عباسزاده متولد سال ۱۳۲۸ است و امروز به بهانه ولادت امام رضا (ع) میهمان خانه او شده ایم. او رخت خادمی حضرت برتن دارد و خدمتی متفاوت در حرم ملکوتی حضرت رضا (ع) انجام می دهد. خدمتی که به قول خودش بیشتر از اینکه دعا و ثنا در برداشته باشد

تفرین و توهین دارد! اما حاج آقا عباسزاده تنها اتفاق زندگی اش خدمت حضرت نیست بلکه در طول ۷۰ دهه از زندگی اش تجربیات مختلف تاریخی را گذرانده است از انقلاب و زندان های شاهی گرفته تا جنگ و مجروحیت. همراه با این مرد هم محله ای می شویم و خاطرات او را از ۱۸ سالگی که از جلگه رخ تربت حیدریه به همراه دختر دایه اش راهی مشهد شد، مرور می کنیم...

● ملک اربابی نگرفتیم

تا ۱۸ سالگی تربت حیدریه سمت جلگه رخ زندگی می کردیم. سال ۴۱ که تقسیم اراضی انجام شد ما ملک اربابی نگرفتیم. علما گفته بودند حرام است و حق ارث ارباب است. برای همین ما هم قبول نکردیم و با همین دختر دایه ام ازدواج کردیم و آمدم مشهد.

● کار شیشه و آینه می کردم

آمدم مشهد و شاگرد شیشه بری شدم. همین چهارراه شهدا که آن زمان می گفتند چهارراه نادری، کنار مسجد مقبره در پاساژ رحیم پور شاگردی آقای علیرضا بازیاران را کردم. ۹ سال آنجا کار شیشه و آینه می کردم. در مشهد آینه ای که درست می کردم کس دیگری نمی توانست درست کند. آن زمان این آینه ها را به فروشگاه ناسیونال به ۷۰۰ تومان می دادند. آن زمان ۷۰۰ تومان خیلی بود و کار هم یک کار ۱۷ تکه ای بود که یک جام وسطش داشت.

● شیشه و آینه بازاری معروف بود

به کار آینه که می رسیدیم تازه می فهمم که چرا در و دیوار خانه آقای عباسزاده این قدر آینه های تکه تکه دارد. آینه هایی که معلوم است سال هاست بر دیوار خانه اند. او می گوید: این آینه ها اضافه کارهایی است که سفارش می گرفتیم. برای آینه عروسی و دامادی زیاد پیش ما می آمدند. این اضافه ها مثل سرقیچی پارچه است که من آن ها را سرهم کرده ام و یک شکلی شده است.

او بلند می شود و از دکور چوبی و قدیمی خانه اش تکه ای شیشه می آورد که روی آن شاخه گندمی حک شده

است. آن را دستم می دهد و می گوید: این ها را خودم کار می کردم. یک تکه سنگ مثل سنگ چاقوتی زنی داشتیم که به هوای چشم و دست این ها را روی شیشه می زدیم. انواع گل ها را روی شیشه و آینه با همین هوای ذهن می زدیم. آن زمان این طور نبود که اول با ماژیک بکشیم و بعد حکاکی کنیم. همه چیز ذهنی بود. آن زمان شیشه و آینه بازاری در مشهد خیلی معروف بود.

● زندان وکیل آباد بردند

بعد از ۹ سال فعالیت در آینه سازی انقلاب شروع شد. من در تمام صحنه ها و تظاهرات ها شرکت داشتم تا اینکه یک بار ما را گرفتند و زندان وکیل آباد بردند. تاریخ ۵۷/۸/۴ بود که مردم در تولد شاه سیاه پوشیده بودند و همین بهانه حمله و دستگیری شد. من را آن زمان پشت بیمارستان امام رضا (ع) جای بیمارستان آریا دستگیر کردند. شب را در کلانتری یک که سمت میدان عدل خمینی بود بازداشت بودم و ۵-۶ روزی را در زندان وکیل آباد. بالاخره با اسناد بعد یک هفته آزاد شدم و قرار شد بعد ما را محاکمه کنند که الحمدا... شاه رفت و دیگر برنگشت و انقلاب پیروز شد.

● به اسم معتمدی بود

انقلاب اسلامی که شد من عضو بسیج شدم. در بهداری سپاه که آن زمان کنار بیمارستان معتمدی سابق و بنت الهدی الان است دژ بان بودم در ورودی می ایستادم و ماشین هایی را که مجروح می آوردند و رفت و آمد می کردند، بررسی می کردم. بیمارستان بنت الهدی آن زمان به نام یک طاغوتی به اسم معتمدی بود که فرار کرد و رفت و بیمارستان شد به نام بنت الهدی صدر.

● برجی ۳ هزار تومان

به عنوان دژ بان دم در یک سال به ما حقوق می دادند. برجی ۳ هزار تومان در سال ۶۲. آن زمان فرمانده بهداری سپاه ماهی ۲۲۰۰ تومان حقوق می گرفت و من چون زن و بیچه داشتم بیشتر حقوق می گرفتم. بعد از یک سال لباس سبز سپاه تم کردند و تا سال ۸۳ که برای جانبازی ام زودتر بازنشست شدم در خدمت سپاه بودم.

● بیا و تسلیم شو

ماجرای مجروحیت هم برمی گردد به سال ۶۷ و جزیره معجون. ۶۷/۴/۴ که جزیره معجون را از دست دادیم. ساعت پنج و ۲۰ دقیقه صبح بود که مجروح شدم. از ۴ ناحیه مجروح شده بودم ولی روحیه ام را از دست ندادم و برگشتم. می خواستم با آرپی جی دشمن را بزخم که با تیر دستم را زدند. تیر از زیر

آرنج رفت داخل و از بالای بازویم زد بیرون. دست راستم را با دست چپم گرفته بودم که این یکی را هم زدند و خورد به آرنج. آرزو داشتم که در جزیره معجون مجروح شوم. آه و ناله های مجروح ها را در بهداری شنیده بودم و می خواستم من هم مجروح شوم نه شهید. در جزیره معجون فاصله عراقی ها با ما ۱۰۰ قدم بود؛ هم را می دیدیم. به من اشاره می کردند که بیا و تسلیم شو ولی نمی خواستم اسیر شوم.

● مثل درخت لته شده بودم

آن روز یک اسلحه کلاش داشتم که خشاب آن را پر کردم و از ساعت سه و ۲۰ دقیقه تا پنج و ۲۰ دقیقه که مجروح شدم تک تک تیر می انداختم که تیرهایم تمام نشود. ۲ ساعت به عراقی ها تک تیر می انداختم. دلم نمی آمد تیرهایم را هدر کنم و تمام شود. آخرش اسلحه گیر کرد و دیگر تیر نمی انداخت. اسلحه را انداختم توی آب. آرپی جی زن که فامیلش عزیزی بود کنارم شهید شد آرپی جی اش را برداشتم و تا خواستم شلیک کنم یک دفعه برق من را گرفت و دیدم دستم افتاده کنارم و دست دیگرم هم تیر خورد. لحظه های خاصی بود. بچه ها شهید و مجروح شده بودند. یکی از بچه های مجروح که داشت شهید می شد لبخند روی لب هایش بود. برگشتم که کمی عقب پیامی که با خمپاره زدند و ترکش رفت توی پایم و الان ۳۱ سال است که این ترکش ها و پیچ و مهره ها برایم یادگار مانده است. با این اوضاع آن موقع اصلا حال خوبی نداشتم ولی با خودم گفتم عباس تو باید برگردی. اینجا اگر بمانی یا اسیر می شوی یا عراقی ها تو را می کشند و زن و پنج بچه ات بی کس و کار می مانند. اراده کردم و گفتم کاری نشده. مثل



این را هم به شما بگویم که
امام رضا (ع) هیچ کس را از
درخانه شان ناامید نمی کنند



● هوایمای مسافربری ایران رازد

منتقل شدم بیمارستان اهواز و بعد از آن هم بیمارستان اصفهان. همان زمان هوایمای مسافربری ایران را روی خلیج فارس آمریکازده بود و هوایمایی برای بردن ما نبود. تا اینکه یک هوایمای نظامی پیدا شد و ما را طبقه طبقه روی هم گذاشتند و بردند بیمارستان عیسی ابن مریم اصفهان.

● می گفتم ایلام هستم

هنوز ماجرای مجروحیت را به خانواده ام نگفته بودم. می ترسیدم پدر و مادرم سکت کنند و با برای خانم اتفاقی بیفتد. رنج مجروحیت را تنهایی تحمل کردم که به آن ها آسیبی نرسد. در بیمارستان هر وقت زنگ می زدم خانه می گفتم ایلام هستم. مدام هم نگران بودم که یک وقت در بیمارستان کسی را پیچ نکنند که دستم رو شود. برای ادامه در مان ما را بردند بیمارستان نورافشان ۳ تهران. بیمارستان سرکوه جماران و به تهران مشرف بود. آنجا خانمی مسئول بیمارستان بود که هر وقت او را می دیدم یاد دختر بزرگم می افتادم. یک روز او را صدا زدم و گفتم اگر می شود من را برای ادامه در مان بفرست مشهد؛ خانواده ام خیر ندارند که مجروح هستم. او هم صحبت کرد و موافقت انتقال من را گرفت. ۱۶ روز طول کشید تا آمدم مشهد. آن زمان هنوز هوایمائی نبود و من را با قطار فرستادند مشهد. به میدان راه آهن که رسیدیم یک آمبولانس آمد دنبالم که برویم بیمارستان امام رضا (ع). دم کارگاه آقای بازیاران از آمبولانس خواستم که بایستند. رفتم پیش او و ماجرای مجروحیت را گفتم و خواستم به برادرم خبر دهد



۴۰۰ سال پیش خادمی امام رضا (ع) رسمیت پیدا کرده است. اولین فرصت خادمی «در بانی» بود، بعد فرایشان شکل گرفتند که مسئول روشنایی و پهن کردن فرش های حرم بودند، گروه های حفاظ و خادمان نیز در ادامه تشکیل شدند. تا قبل از انقلاب این چهار دسته جزو خدام بودند و ابتدای انقلاب نیز کفشداران به خادمان اضافه شدند. تا اینکه در سال ۷۱ و پس از بمب گذاری

در حرم مطهر مسئولان وقت حرم به این نتیجه رسیدند که باید کارهایی از جمله انتظامات نیز به داوطلبان خدمت سپرده شود. به غیر از خدمه (خدام) گروه دوم خدمتی خادم پاران نام گذاری شدند که کارهای مربوط به مهمان سرا، ویلچر، انتظامات، آگاهی، کتب و اموال، گل آرایی، صحافی، فنی، روشنایی و... را بر عهده دارند.



و خانواده ام را طوری که نگران نشوند باخبر کند. بنده خدا خیلی از حال و روزم ناراحت شد و قرار شد که به خانواده ام بگویم که یکی از اقوام در بیمارستان است و همه را جمع کند. برادر همه راه انداخته بود و آورده بود بیمارستان. همه تا من را دیدند تعجب کردند و غصه خوردند. یادم است روی گچ دستم نوشته بودم مرگ بر آمریکا و مرگ بر صدام.

● ۶ ماه در رکاب شهید کاوه بودم

در مدت جنگ ۲۷ ماه جبهه بودم و ورز منده جنگی خط مقدم بودم. با شهید کاوه در تیب شهید بودیم و عملیات های زیادی شرکت می کردیم. ۶ ماه در رکاب شهید کاوه بودم و گاهی می گویم که اگر در مقابل سنگ ریزه ها و گل های کردستان اسم شهید کاوه را بیاورید سر تعظیم فرود می آوردن از بس این جوان مرد بود. با کسی شوخی نداشتم و رفتارم برگرفته از آقا امیرالمومنین (ع) بود. آن زمان من مسئول تبلیغات گردان بودم و عکس زیاد می گرفتم. یک عکس هم خودم با شهید کاوه داشتم که یکی از ارگان ها برد و دیگر برایم نیاورد. خاطره از شهید کاوه زیاد دارم ولی یکی از آن خاطره ها را که مشهدی هم بودم برایتان تعریف می کنم. برای عملیات به روستای بست رفتیم اما ظاهراً عملیات لوفته بود و روستا را خالی کرده و رفته بودند و فقط یک عطار توی روستا مانده بود. سال ۶۲ بود و ایام چراغ برات و ولادت امام زمان (عج). آن شب شهید کاوه گفت کسی از بچه های مشهد اینجا هست که برای ما روغن جوشی درست کند؟ که من درست کردم.

● ۴۸ روز ۵ کلاس درس خواندم

بعد از جنگ و قبول قطعنامه آدم مشهد و سرزندگی ام. در بیمارستان بنت الهدی که بودم طی ۴۸ روز ۵ کلاس درس خواندم و با معدل ۱۵ و ۳۱ صدم قبول شدم. تا سیکل بیشتر نتوانستم بروم. مشغله های خانوادگی و کاری نمی گذاشت درس بخوانم ولی ذهن خوبی داشتم و اگر ادامه می دادم تا دکتری می رفتم. اما این را هم بگویم که بزرگ ترین موفقیت و بهترین همراه من همین دختر دایی ام است. ۳۳ سال با پدر و مادرم در همین خانه در یک اتاق زندگی کرد و صدایش در نیامد. توی دو تا اتاق ۹ نفر آدم زندگی می کردیم. پدر و مادرم، من و خانمم و پنج تا بچه. کارم در مشهد تا بازنشستگی مسئولیت انبار ۳ استان بود.

● تا حالا ایستاده ام

از سال ۹۲ تا الان افتخار خدمت در حرم امام رضا (ع) را دارم. البته قبل از آن هم مدت ۱۰ سال در اطراف حرم وظیفه ارشاد را داشتم که از طرف دادگستری ثامن بودیم ولی الان دیگر امنیت حرم زیر نظر آستان قدس آمده و ما با عنوان خادمیار در خدمت حضرت رضا (ع) در ورودی ها هستیم. هفته ای یک روز موظفی دارم در کشیک هشتم ولی کشیک های دوم، چهارم و ششم را هم به جای بچه هایی که نمی توانند بیایند می روم که برایشان غیبت نخورد. به جای ۱۵۰ نفر تا حالا ایستاده ام و روز در میان حرم هستم.

● تیرشان به سنگ می خورد

به اینجای صحبت هایمان که می رسیم حاج آقای عباس زاده می رود و لباس های خدمت را برای ما می آورد. کت، پیراهن و شلووارش را تمیز و اتوکشیده سر آویز لباس گذاشته است. آرم حرمی را که سر جیبش است نشانم می دهد که رویش اسم خودش و کلمه امنیت را نوشته اند. دستی روی آرم گنبد می کشم که می گوید: چون کلمه لاله الا... داشت رویش پلاستیک کشیدیم که دست بی وضو اگر خورد گناه نداشته باشد. این چند سالی که خدمت در امنیت و ورودی ها را داشتم موارد زیادی از کرامات حضرت را دیدم که مانع از خراب کاری ها شد. عده و گروهبان های زیادی هستند که قصد خرابی در حرم را دارند ولی به لطف خدا و امام رضا (ع) تیرشان به سنگ می خورد.

● بمب که نیست!

البته ما هر وقت به زائران می گویم وسیله ای که می خواهند

ببرند داخل ممنوع است. می گویند: بمب که نیست! نمی دانند که با همین باتری کوچک ممکن است اتفاقات بدی رخ دهد. ما مواردی داشته ایم که در قالب شکلات مواد منفجره می خواسته اند ببرند داخل. برای همین است که شکلات و بسته بندی ها ممنوع شده است. یا همین یادبادک را وقتی به زائری می گویم ممنوع است شروع می کند به نفرین کردن در حالی که اگر سر صف نماز بترکد مشکل ایجاد می کند و هراس می آفریند. همین چند وقت پیش یکی از خانم ها در حرم مشغول عبادت بوده نوه اش تسبیحش را می کشد و نخ آن پاره می شود. خانم با غیظ فریاد می کشد و می گوید: ستایش! مردمی که اطراف او هستند همه از ترس اینکه فکر می کنند گفته داعش فرار می کنند و چند نفری زیر دست و پا زخمی می شوند. این است که ما خیلی چیزها را می گویم ممنوع است. مثلاً یک استکان اگر داخل برده شود و بشکند اول اینکه ترس ایجاد می کند و دوم هم اگر توی پای کسی برود خونی می شود و فرش حرم را نجس می کند.

● جز بر در این خانه مرا پیر مکن

ولی با تمام این حرف ها من همیشه این بیت شعر را از مزه می کنم که از نوکری درت ماسیر نکن / جز بر در این خانه مرا پیر مکن. هر وقت چشمم به گنبد و بارگاه می افتد این شعر را از مزه می کنم. این را هم به شما بگویم که امام رضا (ع) هیچ کس را از در خانه شان ناامید نمی کنند. چنین امامی در شهر داریم و دنبال خواسته هایمان جاهای دیگر می روم.

یک انگلیسی آمد جلو پنجره فولاد حرم آقا با مترجم.

دید که پشت پنجره فولاد یک عده طناب به

گردن بسته اند. از مترجم پرسید: این ها

چرا اینگونه هستند؟ مترجم گفت:

این ها را دکتر جواب کرده و به ایشان

پناه آورده اند. در ذهنش حواسش

رفت پیش دخترش در انگلستان

که دکترها جوابش کرده اند.

گفت طناب که ندارم. نگاه

کرد به کروانش و آن را بست به

پنجره. نمی توانست بنشیند

و همان جا ایستاد. از اینجا

گره بست برای دخترش در

انگلستان. تلفنش زنگ

خورد. همسرش بود و

پرسید که کجاست. او

هم گفت: جای کسی

هستم که می گویند دکتر

جواب شده ها را در مان

می کند. خانمش گفت:

تبریک می گویم دخترمان

خوب شد. ما چنین آقایی

اینجا داریم که دست رد به

سینه هیچ کس نمی زند. اینجا

جایی است که بر در و دیوار آن نوشته

که گنهگار نیاید...

● چشم انتظار قدم آقا در روز رفتن

تا به حال در زندگی هر چه خواسته ام از حضرت گرفته ام و تنها خواسته ام این است که آن سه بار به دیدارم بیایند. باور کنید روزهایی که حرم هستم از ساعت ۶ و نیم صبح تا ۶ و نیم عصر اصلاً نمی خوابم. یعنی وقت خوابیدن پیدا نمی کنم. با اینکه دیابت دارم ولی ۱۴ میلیون صلوات می فرستم. ۱۰۰۰ بار قل هو... را با بسم... می خوانم. نماز جعفر طیار و والدین و زیارت می خوانم و کلام مشغولم. این را هم بگویم که آستان قدس هیچ چیز رایگان به ما نمی دهد الا یک صبحانه و یک ناهار در روزهای خدمت. این لباس ها و حتی این آرم را هم خودمان خریده ایم ولی هر چقدر هم هزینه داشته باشد به خدمت در درگاه حضرت می ارزد و ارزش این را دارد که چشم انتظار قدم آقا در روز رفتن باشیم. ■



با استاد سید رضا مؤید، شاعر خوش ذوق محله فاطمیه، بیشتر آشنا شوید

محبوب رضا است هر که دل ریشتر است

هم محلی

ویژگی برجسته دیگر استاد مؤید، آن است که دعبل وار، شعر خود را در خدمت انقلاب و امام به کار گرفته و ابعاد انقلابی و سستم سوز و مجاهدت آمیز معنویت ناب دینی را در اشعار شیرین خود به مردم نشان داده است. از همین رو بود که مقام معظم رهبری نیز در دیدار خود با جمعی از شعرای آیینی کشور، فرمودند: «به برخی موضوعات در شعرهای آیینی کم پرداخته می شود؛ از جمله موضوعات مربوط به مسائل انقلاب، مسائل جنگ و دفاع مقدس. البته در دوره ای خیلی خوب بود. همین آقای مؤید در زمان جنگ وقتی جنازه های شهدارابه مشهد می آوردند، شاید هر روزی یا هر چند روزی یک غزل می گفت و مداح ها می خواندند... الان جای این اشعار خالی است.

هیچ مناسبتی در تقویم تشیع نیست که سید رضا مؤید برای آن شعری نداشته باشد و مداحی را نمی توان پیدا کرد که شعری از او را در حافظه نداشته باشد. همچنین علاوه بر تجربیات موفق در قالب های کلاسیک ادبی، نوحه ها و دم های زیادی از وی به یادگار مانده است که بارها شنیده ایم و با آن ها اشک ریخته ایم. ■

هنر متعالی، رسانه ای برای انتقال مفاهیم و اندیشه های ناب معرفتی است و شعر در این بین رسالت بزرگ تری بر دوش دارد. گواه آن هم می تواند ابیاتی باشد که واقعه ای را در دل تاریخ زنده نگاه می دارند و با ترسیم حقیقت، جبهه حق و باطل را مشخص می کنند. شاعرانی که این گونه شعر را باور کرده اند، همواره تلاش می کنند از استعداد و ذوق خود در حساس ترین مواقع به بهترین نحو بهره ببرند و آثاری خلق



کنند که بجا و تاثیرگذار باشد. پس از انقلاب اسلامی کم نبودند شاعرانی که با چنین هدفی در میدان حاضر شدند و با هنرشان از دین و میهن خود دفاع کردند؛ از جمله سید رضا مؤید خراسانی شهروند محله فاطمیه.

شاعر پیش کسوت محله فاطمیه سال ۱۳۲۱ در مشهد به دنیا می آید. او تحصیلات مقدماتی اش را در مکتب خانه پشت سر گذاشت. علاقه او به شعر باعث شد که خیلی زود سراغ دیوان های قدیمی برود و لذت شعر کهن به ویژه اشعار حافظ را در نوجوانی تجربه کند. گسترده تر شدن علاقه اش، او را به کتابخانه آستان قدس رضوی رساند و ساعت ها مطالعه دیوان های مختلف در جوار حضرت رضا (ع) را به او هدیه داد. دوازده سالگی خود را پشت سر می گذاشت که نخستین شعرش را سرود و حسن مطلعی شد برای پرواز در آسمان روحانی شعر.

صفا و صمیمیت بارزترین ویژگی اخلاقی سید رضا مؤید است و با نگاهی اجمالی به اشعار وی می توان این صفا و صمیمیت را در سروده هایش نیز به تماشا نشست. اشعار مؤید بدون تکلف و رها از چارچوب های مصنوعی است و با همه سادگی اش در نگاه اول لذت بخش می شود. آنگونه که خود مؤید می گوید با عنایت حضرت علی ابن موسی (الرضا) مضمین سروده هایش همه ریشه در آیین و مذهب دارند؛ چنین است که برای مخاطب، این اشعار چون بیان اعتقادات و درونیات شاعر هستند و از دل بر می آیند، بسیار دلنشین می شود. نکته ای که در خوانش اشعار او باید در نظر گرفت این است که نباید در آثار مؤید دنبال فرم و اتفاقات زبانی متفاوت باشیم؛ بلکه باید از مضامین، عاطفه و احساس، طنین کلام، هم ذات پنداری و... در شعرهای او لذت برد.

شعر معروف «خدا کند که بیایی» تنها یکی از آثار ماندگار اوست و مجموعه اشعار او در طول سال ها، از «گل های اشک» تا «بهار بی خزان» مجموعه ای غنی از معارف ناب دینی بوده اند که در کالبد ادبیتای معرفتی و در عین حال مردمی جلوه کرده اند.



با عنایت حضرت علی ابن موسی (الرضا) مضمین سروده هایش همه ریشه در آیین و مذهب دارند



گزارشی از مشکلات محله فاطمیه

موش هایی که با قطار به مشهد می آیند

در محله

۵۹

محمد رضا فیضی

پارک دوبل خودروها و پارک در پیاده رو، هرس نکردن درختان و خطر سقوط درختان خشک، نبود پل عابر پیاده، نبود فضای سبز و زمین بازی برای کودکان، پیاده روهای ناهموار و جدول های شکسته از جمله مهم ترین خواسته های شهروندان ساکن در محله گاز از شهردار منطقه ۳ مشهد بود که ناراضیاتی شهروندان را به همراه داشته است.



● موش های مزاحم

مهم ترین معضلی که اهالی خیابان ابوذر غربی، مجلسی غربی از آن رنج می برند، وجود موش در محله است. ایوب نصیری در این رابطه می گوید: تا دلناتن بخواهد در محله ما موش وجود دارد، در ساعات انتهایی شب در کوچه پس کوچه ها سرو کله شان پیدا می شود و گاهی اوقات از داخل لوله های فاضلاب به درون خانه ها می روند و آسایش مردم را مختل می کنند. تاکنون چندین بار به شهرداری مراجعه کرده ایم. یکی از کارکنان شهرداری بیان کرده بود که این موش ها به وسیله قطار به همراه گندم ها به این محله منتقل می شود که بعضی از این موش ها به ریشه های درختان آسب زده اند و تا چند سال دیگر اگر اقدامی نشود خشک می شوند.

● موش ها ریشه کن نمی شوند!

در همین رابطه حجت فرقانی، شهردار منطقه ۳ با بیان اینکه وجود موش ها در این محله به دلیل سیلوی گندم، راه آهن و طرح آگوست، می گوید: با توجه به تعداد زیاد موش ها در این منطقه، ریشه کن کردن آن ها امکان پذیر نیست. وی ادامه می دهد: با هماهنگی با حوزه خدمات شهری، با استفاده از تله های شیمیایی، سنتی و نیز ورود شرکت های دانش بنیان، تا حدودی از تعداد موش ها کاسته شده است. فرقانی بیان می کند: برای ریشه کنی موش ها در این منطقه تلاش های زیادی انجام می شود اما بسا وجود منابع بزرگ تغذیه در این محله ریشه کن شدن موش ها امری سخت و دشوار است. اداره آب و فاضلاب هم برای مقابله با سوسک ها سم پاشی کرده است.

یکی دیگر از درخواست های شهروندان آبیاری درختان در معابر فرعی است. غلامی شهروند این محله می گوید: در کوچه های محله درخت زیاد کاشته شده است و می توان گفت محله فاطمیه جزو سرسبزترین محلات شهر مشهد محسوب می شود اما از شهرداری درخواست داریم برای آبیاری درختان اقدامی انجام دهند.

آی خبر

یا ضامن آهو

ای ماه مشرق و سلطان خراسان
خورشید و ماه ز نور جمال تو شرمسار
ای حجت و ولی خدا و امام زینوف
در مانده ایم و غرق گناهییم امام رضا
بیمار و درد مند، بیایند به سوی تو
هر کس به هر زبان، صدای می زند تو را
اظهار عشق کند و ناله سر دهد
پای پیاده به کویت سفر کنند
در پنجره ها و رواق و صحن
ما سائل شکسته دل خانه توایم
هر کس قدم بگذارد در آستان رضا (ع)
فرمودی آن حدیث ولایت به شهر نیشابور
گفتی در آن حدیث به شرط و شرطها
نام تو بر سر من تاج افتخار
گر انتخاب جنت و کویت به من دهند
جان می دهم به راه وصال امام رضا (ع)
ای هشتمین امام و ضامن آهو
محسن برای شفاعت در انتظار امامش

ای مظهر صفات و عدالت و احسان
از پر تو جمال تو روشن شود جهان
ای یاور بیچارگان و ملجأ بی کسان
بر ما عنایتی بنما و رحمتی رسان
بهر شفای درد و دوا و درمان
با قلب پر ز آه و ناله و افغان
جان می دهد به راه وصال چو عاشقان
بهر زیارت مولای شیعین
ایستاده و نشسته دخیل اند زائران
از درگت نرانی گدایت تو هیچ زمان
لذت برد ز فیض دعا و قرائت قرآن
اهل قلم بنوشند و هزار هزاران
شرط تو نهادند بر دل و جان
این تاج را ندهم من، به افسر شاهان
کوی تو را نمی دهم هرگز، به جنت و رضوان
تا بر سر قدم نهی، نمی دهم، من جان
در اولین شب قبرم کمک برسان
در آخرین دقایق رفتن از این جهان

سید محسن بهشتی



اصلاح هندسی تقاطع های همسطح سواره و منطقه ۳

اصلاح هندسی تقاطع های همسطح سواره و منطقه ۳ با سرعت در حال انجام است. به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، شهردار منطقه با اعلام این موضوع گفت: ایمن سازی و روان سازی ترافیک به ویژه در معابری که از یک سو منتهی به بافت پر جمعیت شهری است و از سوی دیگر به گذرگاه های پر تردد متصل می شود، یکی از مهم ترین رویکردهای اقدام در حوزه ترافیک است. وی هدف از اصلاح هندسی معابر شهری را حذف گره های ترافیکی دانست و تصریح کرد: اصلاح هندسی معابر و گذرگاه های شهری با هماهنگی پلیس راهور و سازمان ترافیک انجام می پذیرد و موجب آرام سازی ترافیک در محدوده های پر تردد منطقه می شود.

شهردار منطقه طراحی مناسب تقاطع ها از لحاظ هندسی و گره گشایی از معابر ترافیکی را گامی مهم در ایمن سازی و کاهش تصادفات بیان کرد و گفت: اصلاح هندسی تقاطع های همسطح سواره و منطقه ۳ نیز در راستای نیل به همین منظور از ۲۲ خرداد امسال آغاز شده است و پیش بینی می شود تا پایان تیر پایان یابد. وی اعتبار در نظر گرفته شده برای این اقدام را یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال اعلام کرد و گفت: خوشبختانه در یک ماه اخیر که این طرح در منطقه در حال اجراست بیش از ۷۰ درصد پروژه ها پیشرفت فیزیکی داشته است که این امر نشان دهنده سرعت عمل بالای ۴۰ درصدی این اقدام نسبت به پیشرفت مورد انتظار بوده است که این امر باعث کاستن از مداخلات ترافیکی و افزایش رضایتمندی شهروندان خواهد شد.

فرقانی در باره معابری که در این طرح قرار گرفته اند نیز تصریح کرد: معابر منتهی به بزرگراه شهید میرزایی، از جمله شهید میرزایی ۲۷ و ۲۳ و همچنین خرو و جی بولوار خواجهر بیع به خیابان شادی و سه راهی کلات از جمله معابری است که در این طرح مرمت و اصلاح خواهند شد. وی بیان کرد: هدف نهایی از اصلاح هندسی، تأمین دسترسی و ایمن سازی مسیر خودروهایی عبوری و تسهیل تردد است بنابراین ممکن است اصلاح هندسی با توجه به زمانبر بودن طبیعی پروژه های فنی و عمرانی موجب ایجاد اختلال در آمد و شد شهری شود که این مهم نیازمند صبر و شکیبایی شهروندان برای پایان این اقدامات است. ■

وی در ادامه می گوید: به دلایل مختلفی در محله برخی درخت ها خشک شده و خاصیتی ندارند از شهرداری درخواست داریم این درختان را قطع و درخت زنده دیگری جایگزین کنند. شهردار منطقه در باره آبیاری درختان در معابر فرعی خاطر نشان می کند: آبیاری درختان در معابر فرعی به عهده شهرداری نیست و شهرداری مسئولیت آبیاری فضای سبز و درختان را در معابر اصلی برعهده دارد. در طرحی که شهرداری پیشنهاد کرده، قرار شده است اگر آبیاری درختان از سوی شهروندان انجام شود تخفیفاتی در عوارض شهرداری آن ها صورت بگیرد.

وی با بیان اینکه برخی شهروندان در آبیاری درختان همکاری نمی کنند، می افزاید: اگر درختان در محله ای خشک شده باشند، این مسئله به درخواست شهروندان در کمیسیون ماده ۷ مطرح و توسط سازمان فضای سبز شهرداری و منطقه بازدید می شود و برای بریدن درخت صادر می شود، در غیر این صورت هیچ برشی انجام نمی شود.

بهسازی پیاده روهای خیابان گاز از دغدغه های کسبه این خیابان است. حسین جهانی در این رابطه می گوید: خیابان گاز جزو یکی از خیابان های پر تردد منطقه است، پیاده رو پستی و بلندی های زیادی دارد و افراد معلول و سالمند به سختی تردد می کنند از شما درخواست پیگیری داریم.

حجت فرقانی شهردار منطقه در باره وضعیت پیاده روهای معابر فرعی خیابان گاز نیز تصریح کرد: بهسازی و همسطح سازی حاشیه خیابان گاز در حیطه مسئولیت شهرداری است و بررسی های لازم اجرا و انجام شده است و بهسازی پیاده روهای معابر فرعی در صورتی به عهده شهرداری است که در طرح بهسازی آن یاد و این مهم در معاونت شهرسازی بررسی شده باشد.

شهردار منطقه با اشاره به تعمیر و تعویض جدول ها، ادامه می دهد: این برنامه یک طرح است و پس از اجرای طرح آگو در این منطقه آسفالت و جدول ها تعمیر و تعویض خواهند شد. ■

آخرین خبر



۱۱

نمایشگاه کتاب ویژه دهه کرامت برگزار شد
اندیشکده رضوی

همزمان با فرارسیدن ایام دهه کرامت کتابخانه‌های منطقه با برپایی نمایشگاه کتاب، به بزرگداشت این اعیاد پرداختند.

به گزارش گنجینه رضوی، معاون کتابخانه‌های آستان قدس رضوی با اعلام این خبر اظهار داشت: این کتابخانه‌ها از اول ذی‌القعدة مطابق با ۱۳ تیر ماه به مدت ۱۰ روز منابع موضوعی خود را در باره امام رضا (ع) و خاندان ایشان، حضرت معصومه (س)، زیارت، سبک زندگی رضوی و طب الرضا (ع) در معرض دید عموم قرار دادند. حسین خسروی هدف از این حرکت را ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی، معرفی منابع منتخب به مخاطبان در این موضوع، ترویج سبک زندگی رضوی و انتشار معارف رضوی در حوزه‌های مختلف ذکر کرد. وی از کتابخانه مجتمع امام خمینی (ره) واقع در خواجه ربیع ۲۳؛ کتابخانه آیت... حاج شیخ مجتبی قزوینی (ره) در خیابان طبرسی، حد فاصل چهارراه مجلسی و چهارراه سیلو، کتابخانه و حسینیه امام رضا (ع) در خیابان هاشمی نژاد و... به عنوان نمونه‌ای از این کتابخانه‌ها نام برد و اظهار داشت: این منابع از امکان امانت به اعضا برخوردار است.



۱۲

نماینده مریم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی:
راهکار مناسبی برای رسالت ۸۲ انجام می‌شود

هفته گذشته نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی و نماینده شورای شهر از رسالت ۸۲ بازدید کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای اسلامی شهر مشهد، حجت‌الاسلام محمد حسین حسین زاده بحرینی، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، به همراه رمضانعلی فیضی، رئیس کمیسیون مناطق پیرامونی و کم‌برخوردار شورای شهر مشهد از خیابان رسالت ۸۲ و محله سپس آباد بازدید کردند. حجت‌الاسلام بحرینی در این بازدید اظهار کرد: سپس آباد و رسالت ۸۲ در خط‌الرأس منطقه قرار گرفته و متأسفانه همین امر سبب شده است شاهد تجمع فاضلاب و آب‌های سطحی مناطق اطراف در این محدوده باشیم. طی بازدید راهکارهای مختلفی برای خروج از شرایط کنونی مطرح شد که باید بررسی شوند. وی گفت: اواخر هفته آینده جلسه‌ای به منظور بررسی راهکارهای مناسب برای رفع معضل کنونی برگزار خواهد شد تا بتوان شرایط مناسبی برای ساکنان ایجاد کرد.



۱۳

سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد اعلام کرد:
انتخاب بوستان باغو به عنوان «بوستان سبز»

سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد از انتخاب بوستان باغو در منطقه ۳ با عنوان «بوستان سبز» در راستای فعالیت‌های گیاه پزشکی خبر داد.

به گزارش روابط عمومی معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد، مهدی یعقوبی افزود: یکی از الزامات مدیریت شهری در بحث نگهداری فضای سبز، کاهش حجم سموم مصرفی در محیط شهری است که از نتایج آن می‌توان به روند نزولی نمودار مصرف سموم طی سال‌های گذشته اشاره کرد. یعقوبی گفت: بهره‌گیری از روش‌های غیر شیمیایی و موثر، اجرای عملی مدیریت تلفیقی در فضای سبز، جلوگیری از اجرای سم‌پاشی‌های بی‌مورد، اصلاح و بهبود ناوگان سم‌پاش فعال فضای سبز، توجه به تقویت و تغذیه گیاهان، همکاری با مراکز علمی و تحقیقاتی و اجرای آخرین دست‌یافته‌های علمی مرتبط در محیط شهری و از ابتدای امسال راه‌اندازی بوستان‌هایی با عنوان «بوستان سبز» از دیگر اقدامات برای حفظ و نگهداری فضای سبز با تاکید بر شاخص‌های زیست محیطی است.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ با مادر میسان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

بوی نامطبوع

ساکت: بوی نامطبوع کارخانه ایزوگام امان مردم شهرک مهرگان را بریده است چه کسی پاسخ‌گوست!
جوابیه روابط عمومی شهرداری منطقه ۲: در این زمینه شهرداری منطقه ۳ مکرر نامه‌نگاری‌هایی برای تعطیلی این کارخانه انجام داده است ولی با توجه به اینکه این کارخانه در خارج از محدوده شهری قرار دارد بهتر است تا مراتب از سوی فرمانداری مشهد دنبال شود.

اکسیژن با طعم استخوان

قریانی: سلام بوی گند کارخانه استخوان واقع در جاده سیمان امان اهالی را بریده است! آیا واقعا مسئولان توان رفع این مشکل را ندارند؟

بهار زیباست اما...

دادمحمدی: بوستان بهار خیلی زیباست اما تعطیلی سرویس بهداشتی در پارکینگ شماره ۵، نبود روشنایی در محوطه بازی کودکان، خرابی آب سرد کن تردد موتور سیکلت‌ها با سرعت زیاد و... باعث شده مردم یک بار برای همیشه به این بوستان سر بزنند!

فضای خاکی

منتظری: چرا شهرداری فکری به حال فضای سبز بولوار شهید کشمیری نمی‌کند! مدت‌هاست آیلند میانی این خیابان رها شده است.



مردمک

فوتبال خاکی
سهم بچه‌های
جاده سیمان



۱۴

عکس / داود بهکام
شهرآرا